

آموزش رنگ‌ها

پنج‌شنبه‌های کلاسی

مجید درخشانی

مربی پرورشی، از دهشیر تفت یزد

معلم ده «تقی‌آباد» بودم؛ دهی که ده‌ها کیلومتر از شهر فاصله داشت. توی همان مدرسه‌ای که درس می‌دادم، زندگی هم می‌کردم. مدیر و آموزگار و خدمت‌گزار، خودم بودم.

یکی از روزهای اواخر پاییز کنار بخاری نشسته بودم و رنگ‌ها را به دانش‌آموزان کلاس اول یاد می‌دادم. از بچه‌ها می‌خواستم که با گچ‌های رنگی، روی تخته‌سیاه شکلی بکشند و نام رنگ را بگویند. بیشتر دانش‌آموزان رنگ‌ها را به‌خوبی یاد گرفته بودند.

برای این که درس را مرور و تمرین کنم، رو به بچه‌ها ایستادم و گفتم: «توجه کنید! الان فکرتان را ببرید توی خانه‌ی خودتان. ببینید در خانه چه چیزهایی هست که رنگ آن‌ها مثل رنگ بعضی از چیزهای توی کلاس است.»

هنوز مدتی نگذشته بود که مُراد بلند شد. ایستاد و گفت: «آقا مدیر، اجازه؟»

او هیکل چاق و قد کوتاهی داشت. اکثر مواقع اجازه می‌گرفت تا به دست‌شویی برود. به چشم‌های دُرشتش نگاه کردم و گفتم: «بله، حتماً دوباره می‌خواهی بروی دست‌شویی؟!»

جواب داد: «آقا مدیر، اجازه؟ نه... می‌خواهم رنگ را بگویم.»

با خوش‌حالی گفتم: «بفرما آقا مُرادجان.»

مُراد گفت: «آقا اجازه؟ ما یک الاغ توی... خانه داریم... که رنگ آن... مثل رنگ کُت و شلوار... شماس... دُرست همین رنگ... رنگ سیاه.»

چه کار می‌توانستم بکنم؟! خندیدم و گفتم: «بارک‌الله مراد. بچه‌ها! برای

مراد یک دست محکم بزنید.»

● منظور این نیست که در شهر دام‌پروری کنیم، اما چگونه می‌توانیم حیوانات را دوست داشته باشیم؟

● منظور این نیست که همه‌ی ما در شهر یکدیگر را بشناسیم، اما چگونه باید در هر مرحله، یکدیگر را بشناسیم و به هم کمک کنیم؟

● چه‌طور آب و هوای خوب و سالمی داشته باشیم؟
با نظر جمع، راه‌های دوست داشتن حیوانات شناسایی، انتخاب و بررسی می‌شود.

در دو دقیقه‌ی بعدی، دانش‌آموزان به ارائه‌ی راه‌حل و یادآوری کارهای انجام‌شده در این زمینه اشاره می‌کنند و در هر مورد، سه بعد منفی، مثبت و جالب آن را نیز در نظر می‌گیرند:

● خوب است برای این کار همه مجبور باشند یک هفته در هر فصل به روستاها بروند و مسئولیت نگهداری حیواناتی را برعهده بگیرند. در این صورت، آن‌ها به حیوانات علاقه‌مند می‌شوند. اما به نظر می‌رسد به تعداد همه‌ی آدم‌ها روستاها و حیواناتی وجود ندارند که مردم بتوانند یک هفته از آن‌ها مراقبت کنند. از طرف دیگر، ممکن است چون به این کار وادار می‌شوند، به درستی از عهده‌ی انجام آن برنایند و بیشتر به حیوانات آسیب برسانند.

● یک راه دیگر این است که به هر خانواده حیواناتی داده شود که در خانه‌ی خود از آن‌ها نگهداری کنند. نکته‌ی منفی این کار این است که نگهداری بسیاری از حیوانات در خانه، از نظر بهداشتی خطرناک است. البته برخی از افراد هم به حیوانات آلرژی دارند و نباید به آن‌ها نزدیک شوند.

این بحث ادامه پیدا می‌کند تا آماده‌ی نتیجه‌گیری شوند. در مرحله‌ی آخر، با توجه به آن چه در دو مرحله‌ی قبل صحبت شده است، نتایجی را مطرح می‌کنند. لازم به یادآوری است که این روش در گروه‌های کوچک قابل استفاده است و تأثیرگذار خواهد بود.

تفکر و پژوهش

بدیهی است که افراد متفکر قادر به انجام پژوهش هستند. همه‌ی مراحل، از احساس مسئله و تعیین موضوع که از ابتدایی‌ترین مراحل انجام پژوهش محسوب می‌شود، تا نتیجه‌گیری و گزارش دهی، به تفکر نیاز دارند. بنابراین می‌توان ادعان داشت که تفکر از جمله مهارت‌های پایه‌ای پژوهشی است و تصور محقق بدون فکر، محال و بی‌پایه است. بر این اساس، توجه به تفکر و آموزش آن به دانش‌آموزان نیز به رکنی مهم در تعلیم و تربیت بدل گشته است و با توجه به این که این آموزش مراحل و مراتب خاصی دارد، لذا شایسته نیست معلمی تنها با ذکر جمله‌ی ساده‌ی «بیشتر فکر کن»، دانش‌آموزان را به تفکر دعوت کند؛ بی‌آن که راه آن را نشان داده باشد.



تصویرگر: لاله‌ضیایی